**غم مرگ عزیزان بخاک افتاده سنگین است**

**دل یاران به سوگ رفتگان رنجور و غمگین است**

**هزاران مانده از این ره، هزاران دیگر پایند**

**هزاران رفته در این ره هزاران دیگر آیند**

**مسیر شهر آزادی دراز است پیچ و غم دارد**

**سرود رهنوردانش خوش آوا زیر و بم دارد**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**قربان شود هر چند بهر لحظه صدِها**

**زانـــو نــزنـــد تـا دم مـردن احـد مـا**

**خاکستـر ما نیـز پـراگـنـده کـنـد دهر**

**بـیـهـوده مـگـیـریـد سـراغ لـحـد ما**

**این کاخ زور و زر شبی سر نگون شود**

**بـر زیـر پـای عـام ذلـیـل و زبـون شـود**

**مـا را بـه بـزم نـور شـبـی مـهمـان کنید**

**هـم پـیـک توده های زمین و زمان کنید**

**ای همنوا بیا که زمان از مکان گذشت**

**شـد دیـر خیلی دیر که باید کمر ببست**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**در مورد اهمیت محفل یادبود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین**

**منسوبین جریان دیموکراتیک نوین دوشادوش مردم قهرمان افغانستان در مبارزه و مقاومت علیه حاکمیت نظام کودتای 7 ثور و اشغالگران سوسیال امپریالیست شوروی قربانی های بیشماری را متقبل گردیده و جانباختگان بیشماری را نثار راه آزادی و استقلال کشور نمودند. یاد شان گرامی و راه شان پر رهرو باد.**

**سال گذشته یک لیست تقریباً 5000 نفری از جانباختگان مردم قهرمان افغانستان که توسط جلادان باند خلق و پرچم در زمان نور محمد ترکی و حفیظ الله امین در سال های 1357 و 1358 به کام مرگ فروبرده شده بودند به نشر رسید. در این لیست، تقریباً 300 نفر از میان مجموع جانباختگان به جریان دیموکراتیک نوین تعلق داشتند. هم چنان در این لیست، روز جانباختن استاد اکرم یاری بنیانگزار جنبش دیموکراتیک نوین یکجا با تعدادی از انقلابیون توسط مزدوران سوسیال امپریالیسم شوروی، مشخص شده بود.**

**کمیته برگزاری 7 قوس در سال گذشته در محافل ویژه ای به خاطر یادبود از جانباختن استاد زنده یاد اکرم یاری و سایر جانباختانگان جنبش دیموکراتیک نوین، روز هفتم قوس را به عنوان روز یاد بود از تمامی جانباختگان جنبش انقلابی کشور (جنبش دموکراتیک نوین) اعلام نموده و تذکر داده بود که هر سال در این روز به خاطریاد بود از جانباختگان محافل ویژه ای برگزارمینماید.**

**بعد از انتشار لیست جانباختاگان کشور در سال گذشته، تعدادی از بازماندگان و خانواده های جانباختگان، به شمول بازماندگان و خانواده های جانباختگان جنبش دموکراتیک، محافل فاتحه و خوانی بر گزار نمودند. درین میان محافل و اشخاص ارتجاعی نیز به شیوه و طریقۀ خودشان و بخاطر اهداف و مقاصد خاص خودشان محافلی برگزار نمودند.**

**ما نیز سال گذشته به طریقه و شیوۀ خاص خویش و با هدف و مقصد خاص خویش به خاطر یاد بود از جانباختگان ما محافل ویژه ای برگزار نمودیم. اکنون که بازهم هفت قوس فرا رسیده، یکبار دیگر در نقاط مختلف کشور محافل ویژه ای بر گزار می نماییم.**

**دوستان و رفقا! منسوبین جنبش دموکراتیک نوین کشور به مناسبت های خاص محافل برگزار مینمایند و از ایام خاص تجلیل به عمل می آورند. مثلاً اول می روز جهانی کارگر را تجلیل می نمایند، 28 اسد روز استرداد استقلال کشور از استعمار انگلیس را جشن میگیرند، از سیزدهم میزان تجلیل به عمل می آورند، هشتم مارچ روز جهانی زن را بر گزار می نمایند و همچنان از این به بعد هر سال به خاطر یاد بود از شهدا در 7 قوس محافل ویژه ای توسط کمیتۀ برگزاری 7 قوس برگزار می گردد. برگزاری و تجلیل از این ایام هر کدام تاثیرات خاصی در روند زندگی مبارزاتی منسوبین جنبش ما دارد.**

**در جامعۀ طبقاتی هیچ چیز بی عرض وجود ندارد. سیاست نیز نمیتواند بی غرض باشد. غرض سیاسی طبقات ارتجاعی و حاکمه، حفظ مناسبات ارتجاعی موجود و منافع شخصی هریک از افراد طبقات حاکمه را در بر میگیرد. ولی غرض انقلابیون درست ضد غرض مرتجعین است.**

**غرض مرتجعین از برگزاری محافل یاد بود جانباختگان شان این است که باند خلق و پرچم را انقلابی وانمود نموده و با یادآوری جنایات آنها انقلابیون را آماج حملات شان قرار دهند و در ضمن جنایات خویش را پنهان نمایند. ولی غرض و هدف مبارزین مردمی از برگزاری این محافل اینست که: یاد جانباختگان و پیشگامان را تازه نموده و تعهد نماییم که درس های آنها را مرور نماییم، از تجارب مثبت و منفی آنها بیاموزیم، فدا کاری های شانرا سرمشق قرار داده و با الهام گیری از تجارب انقلابات پیروزمند و تطبیق آن در شرایط مشخص افغانستان به پیش رویم.**

**ما یاد جانباختگان مانرا گرامی میداریم و هر گز فراموش نمی کنیم که آنها به خاطر تحقق عدالت و مشخصاً بخاطر مبارزه و مقاومت علیه باند رویزیونیست و دست نشانده و اشغالگران سوسیال امپریالیست شوروی جانبازی کردند و قربانی ها ی بی همتائی را پذیرا شدند.**

**در لیست منتشره بخش بسیار کوچکی از جانباختگان جنبش دیموکراتیک نوین انعکاس یافته است. طبق یک آمار تخمینی در طول دوران تسلط باند خلق و پرچم و اشغالگری سوسیال امپریالیسم شوری، جنبش دیموکراتیک نوین تقریبا درحدود 20000 نفر تلفات را متحمل شده است.**

**ما ضمن بزرگداشت انقلابی از جانباختگان پیشگام مان، امضای موافقتنامه امنیتی میان امپریالیست های امریکائی و رزیم دست نشانده را به شدت تقبیح مینماییم و یاد آور میشویم که امضای موافقتنامۀ امنیتی خیانت ملی بوده و نقض صریح حاکمیت ملی مردم افغانستان میباشد.**

**بزرگداشت انقلابی از جانبازی های پیشروان وجیبۀ مشترک همۀ ماست؛ ولی ما زمانی میتوانیم ابن وجیبه را به شکل شایسته و اصولی ادا نموده یاد و خاطره پیشروان مانرا زنده نگهداریم که در امر مبارزه به خاطر استقلال و آزادی کشور از چنگال اشغالگران امپریالیست و رزیم دست نشانده وپیروزی انقلاب دیموکراتیک نوین، برای بر پائی و پیشبرد موفقیت آمیز مقاومت ملی مردمی و انقلابی متهعد بوده هر چه اصولی تر و استوار تر به پیش رویم.**

**مرگ بر جنایتکاران رویزیونیست خلق و پرچم!**

**مرک بر اشغالگران امریکائی و متحدینش!**

**زنده باد یاد و خاطرۀ جانباختگان انقلابی!**

**به پیش در راه برپائی و پیشبرد موفقانۀ مقاومت ملی مردمی و انقلابی!**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**بر خیز که دشـمـن به دیار آمده امروز**

**ای شـیـردلان وقت شکار آمده امروز**

**بـر خـیـز کـه از دشمن آشفته بپرسیم**

**در خاک دلیران به چه کار آمده امروز**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**معاهدات گندمک و دیورند و توافقنامۀ امنیتی رژیم با اشغالگران امریکایی و ناتو**

**حضار نهایت گرامی!**

**جا دارد که من هم به نوبۀ خود یک بار دیگر حضور گرم تان را در محفل تجلیل از روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان خیر مقدم بگویم.**

**این روز، روزی است مربوط به همۀ مردم ستمدیده افغانستان. ما این روز را به یاد تمامی جانباختگان ستمدیده و بخصوص پیشگامان جنبش دموکراتیک نوین کشور و در راس شان استاد اکرم یاری گرامی می داریم و جنایات هولناک سوسیا ل امپریالیست های شوروی و مزدوران شان را که میلیونها نفر از مردمان ستمدیدۀ این دیار را بخاک و خون کشیدند و یا زنده زنده در گورهای دسته جمعی دفن کردند، شدیداً محکوم می نماییم. ما که خود را میراث دار راه جانباختگان پیشگام جنبش دموکراتیک نوین کشور میدانیم تعهد می نمائیم که این راه را تا پای جان ادامه دهیم.**

**ما این روز را در شرایطی تجلیل می نمائیم که رژیم پوشالی توافقنامۀ امنیتی را با امپریالیزم امریکا و به همین ترتیب توافقنامۀ مشابهی را با پیمان نظامی امپریالیستی یعنی ناتوبه امضا رساند ه است. من می خواهم روی امضاء این قرار داد ننگین و پیمان هایی که اشغالگران با امرای خود فروخته و میهن فروش از زمان شاه شجاع تا به حال به امضا رسانده اند مکث کوتاهی نمایم.**

**زمانی که هند تحت استعمار انگلیس بود، استعمارگران انگلیسی از وحدت ناپلیون و تزار بخاطر حمله به هند هراسان بود. لذا هیئت های سیاسی شان در پشاور، لاهور، همدان و سند مشغول عقد معاهدات مختلف بودند. در این زمان سر هرفورد جونز از راه بمبهی به ایران رفت و در 12 مارچ 1809 با دولت قاجار توافقنامه ای به امضا رساند که طبق آن ایران متعهد گردید که هیچ قوۀ اروپائی را اجازه عبور به هند ندهد و اگر افغانستان و یا دیگر کشور دیگری به هند حمله نماید، ایران از هند به دفاع بر خیزد. در ضمن برتانیه متعهد گردید که اگر کدام کشور اروپائی به ایران حمله کند برتانیه به ایران از لحاظ نظامی و تجهیزات جنگی کمک نماید.**

**از طرف دیگر، نمایندۀ استعمار انگلیس بالفنستن با هیئت افغانی در 1809 برای اولین بار در پشاور موافقتنامه ای به امضا رساند. امضای این موافقتنامه در حالی صورت گرفت که شاه شجاع پادشاهی دارای استقلال سیاسی بود و انگلیس از لحاظ سیاسی سخت به آن احتیاج داشت. در این موافقنامه یک صفحه فقط در مدح و ستایش شاه شجاع نوشته شده و در آخر سه ماده طرح شده است.**

**در مادۀ اول، شاه افغانستان متعهد گردیده که هرگاه ایران و دولت فرانسه متحد شوند و بخواهند به هند لشکر کشی نمایند، دولت افغانستان اجازۀ عبور به آنها نمی دهد.ود**

**در مادۀ دوم، برتانیه تضمین نموده است که هرگاه دولت قاجار به افغانستان حمله نماید، دولت انگلیس از افغانستان جهت بیرون راندن نیروی مهاجم دفاع می نماید.**

**مادۀ سوم خواهان دوستی همه جانبه و دایمی افغانستان وانگلیس است.**

**دومین معاهدۀ انگلیس با شاه شجاع معاهدۀ لاهور بود. این معاهده در حالی به امضا رسید که شاه شجاع از سلطنت خلع گردیده و بی اختیار و جیره خوار انگلیس گردیده بود.**

**این معاهده در 26 جون 1838 در 18 فقره بین مکناتن نمایندۀ اکلند گورنر جنرال هند، رنجیت سنگ پادشاه پنجاب و شخص شاه شجاع پادشاه مخلوع و جیره خوار انگلیس به امضا رسید.**

**در مادۀ اول این قرار داد چنین آمده است:**

**« آنچه ممالک متعلقۀ این روی آب سند وآن روی آب مذکور که در تحت تصرف و داخل علاقه سرکار خالصه جی( رنجیت) است، چون صوبۀ کشمیر،با حدود شرقی و غربی و شمالی و جنوبی و شمالی اتک و چچه و هزاره و کنبل و انت و غیره توابع آن، و پشاور با یوسفزایی وغیره، وختک و هشت نگر و مچنی و کوهات و هنگو و سایر توابع پشاور تا حد خیبر و بنو و وزیر و تانگ و گرانگ و کاله باغ و خوشحال گده و غیره با توابع آن، و دیرۀ اسماعیل خان و توابع آن و دیرۀ غازی خان و کوت مشهن و عمر کوت و غیره با جمیع توابع آن و سهنکر و اروات مند و اجل و حاجی پور و روح پور و هر سه کیچی ملک مسنگره با تمام حدود آن، و صوبه ملتان با تما م ملک آن. سر کار شاه موصوف( شاه شجاع) و سایر خاندان سدوزائی را در ممالک مرقوم الصدر، هیچ دعوی نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن نبوده و نخواهد بود.»**

**در ماده شانزدهم چنین آمده است:**

**« آنچه ممالک و توابع آن در تصرف میران سند الحال است، شه شاع الملک و سایر خاندان سدوزائی را نسلا بعد نسل بطنا بعد بطن، بابت فرمان برداری یا باقیات معامله مال گذاری، در حال و استقبال با آن ممالک هیچ دعوی و سر و کاری نیست ون خواهد بود، ملک و مال میران سندیه نسلا بعد نسل است و خواهد بود. ( پنچ سال بعد انگلیس تمام سند را ملک و مال کمپانی نسلا بعد نسل قرار داد.)» افغانستان در مسیر تاریخ صفحات 398 و 399 .**

**یکسال بعد از این قرار داد، انگلیس زیر نقاب شاه شجاع افغانستان را اشغال و به مستعمره تمام عیار خود تبدیل نمود.**

**سومین معاهده در قندهار صورت گرفت. این معاهده در حالی صورت گرفت که شاه شجاع تحت سیطرۀ نظامی انگلیس ها کار می کرد. این معاهده در هفتم می 1839 در سایۀ سر نیزه به امضا رسید.**

**در مادۀ اول آن تمام متن معاهدۀ 26 جون 1838 به رسمیت شناخته می شود و در مادۀ دوم قید می گردد که از طرف دولت انگلیس یک ایلچی به خدمت شاه مقرر می گردد تا در زمان ضرورت گزارشات لازم را به خدمت مکناتن ببرد.**

**به این طریق استعمارگران انگلیسی با سیاست های محیلانه و رذیلانۀ شان توسط شاه شجاع، این میهن فروش درجه یک، از یک سو قسمت وسیعی از خاک افغانستان را به هند برتانوی ملحق نمودند و از سوی دیگر در حالی که از سه جانب راه های بحری دخولی رقیبان خود را در حمله به هند بسته بودند، فقط از یک راه خشکه از سمت شمال غرب به سمت هند که راه افغانستان بود، تشویش داشتند. این راه را نیز به این شکل در قبضل خود در آوردند. به این طریق راه حمله نظامی به هند را به روی رقیبان خویش بستند و خود را راحت ساختند.**

**به هر صورت سیاست انگلیس ها در افغانستان این بود که به هر شکلی که بتوانند این کشور را ضعیف، متروک و منزوی نگهدارند و روابط سیاسی اش را با جهان قطع نمایند، کشور را در نفاق و خانه جنگی فرو برند و از نشر تمدن و فرهنگ پیشرفته جلو گیری به عمل آورند. آنها به این کار خود توسط عده ای خاین و میهن فروش موفق گردیدند.**

**به همین ترتیب امیر دوست محمد خان در دورۀ سلطنت دوم خود معاهدۀ پشاور را به رسمیت شناخت. معاهدۀ ننگین دیگر را امیر محمد یعقوب خان بنام معاهده گندمک با دولت انگلیس به امضا رساند.**

**این عهد نامه در گندمک بتاریخ 26 می 1897 در 10 ماده منعقد گردید.**

**در مادۀ دوم این معاهده آمده است که امیر افغان و ملحقات آن متعهد می شود که تمام کسانی را که در جنگ به نفع دولت انگلیس کار کرده اند، مورد عفو عمومی قرارمیدهد.**

**درماده سوم قید گردیده که امیر افغان در روابط خارجی باید با دولت انگلیس مشوره نماید و اجازه ندارد که بدون مشورۀ انگلیس با هیچ دولتی عهد نامه ای ببندد.**

**در مادۀ چهارم امیر محمد بعقوب خان متعهد شده است که یک نمایندۀ انگلیس با یک دستۀ نظامی انگلیس را در منزلش بپذیرد. در صورت بروز معاملۀ مهم خارجی دولت انگلیس حق دارد در سرحدات افغانستان نمایندگان انگلیسی و عساکر محافظ اعزام نماید.**

**ماده پنچم دولت افغانستان را مسئول حفاظت محافظان انگلیسی دانسته است.**

**در مادۀ ششم امیر محمد یعقوب خان متعهد شده که خودش و جانشینانش برای عبور و مرور اتباع انگلیسی مشکل تراشی ننماید تا محفوظ مانده و تجارت نمایند. در این معاهده محمد یعقوب خان نه تنها افغانستان و استقلالش را به انگلیس ها تسلیم نمود بلکه یک سلسله جبال صعب المرور با ساکنین آن را که همیشه در مقابل استعمارگران ایستاده و مبارزه نموده اند با علاقه کرم تا ابتدای جاجی، درۀ هیبتناک خیبر تا کنارۀ شرقی هفت چاه، لندی کوتل و سیبی و پشین را تا کوه کوژک به انگلیس ها واگذار نمود. بعد از امضای این معاهده انگلیس ها پیروزی خود در افغانستان را جشن گرفتند.**

**بین معاهدۀ گندمک و توافقنامۀ امنیتی رژیم پوشالی دست نشانده امپریالیزم امریکا( روی این توافقنامه بعدا صحبت خواهیم نمود) تشابهات بسیاری وجود دارد. تفاوتی که میان آنها به چشم می خورد این است که محمد بعقوب خان نمایندۀ انگلیس را با یک دسته نظامی انگلیسی در منزلش پذیرفته بود، اما رژیم پوشالی حضور نظامیان امیریالیزم یانکی را در پایگا های نظامی متعدد و توام با مصونیت قضائی پذیرفته است. همانطوری که محمد یعقوب خان تمام دروازه های کشور را به روی انگلیس ها باز گذاشت تا بدون درد سر و مشکل تراشی رفت و آمد و تجارت نمایند، به همان قسم رژیم پوشالی نه تنها تمام دروازه های کشور بلکه تمام میدان های هوایی کشور را با 9 پایگاه نظامی در نه منطقه مهم و سوق الجهشی کشور در اختیار امپریالیزم امریکا قرار داده و به آنها مصئونیت قضایی عام و تام داده است که بر اساس آن هر جنایتی را که در داخل افغانستان مرتکب شوند از محاکمه و مجازات در افغانستان معاف اند.**

**و اما در مورد امضای توافقنامۀ دیورند در زمان امیر عبدالرحمان خان. امیر عبد الرحمان خان یک گام از امیر دوست محمد خان جلوتر گذاشت. او علاوه برقبول معاهدۀ پشاور، تمام ولایات مهم شرقی افغانستان را طبق معاهدۀ دیورند در سال 1893 به دولت انگلیس تسلیم نمود.**

**او در مادۀ سوم معاهدۀ دیورند تعهد سپرد که از دعوی افغانستان به تمام ولایات" سوات، باجور، چترال، ارنوی، ملک، وزیری و داور" گذشته است.**

**در مادۀ پنجم این معاهده، عبدالرحمان خان علاقۀ چمن و حقابۀ سرکی تلری را به انگلیسها واگذار نمود. انگلیس ها توسط معاهدۀ دیورند تمام سرحدات آزاد را از افغانستان جدا و بین خط دیورند و خط سرحد اداری یا سرحد محکوم محصور نمودند. امیر حبیب الله تمام تعهدات پدرش را با انگلیس ها " صمیمانه" رعایت نمود و یک گام برای استرداد استقلال افغانستان بر نداشت.**

**بعد از استرداد استقلال افغانستان در سال 1919 و تحکیم مناسبات دوستانه بین دولت شوروی به رهبری لنین و دولت امانی در سال 1921، معاهده ای میان دو طرف به امضا رسید که در آن ذکر گردیده بود: طرفین متعهد به عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر اند. این موافقنامه تا زمان کودتای سیاه هفت ثور 1357 خورشیدی دارای اعتبار بود.**

**رژیم کودتای 7 ثوری در ظرف 45 روز 13 قرار داد و توافقنامه با سوسیال امپریالیزم شوروی بست. از آن جمله یکی در مورد توافقنامه 1921 بود که اصل "عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر" در آن تغییر نمود. در توافقنامۀ جدید گفته شد که: هر گاه هر یک از دولتین منافع خود را در کشور دوست به خطر ببیند می تواند از منافع خود دفاع نماید.**

**این قرار داد زمینۀ تجاوز و لشکر کشی سوسیال امپریالیزم به افغانستان را مساعد ساخت که در 6 جدی 1358 افغانستان را تسخیر و به مستعمرۀ خویش تبدیل نمود.**

**به این ترتیب، تاریخ افغانستان از سال 1838 تا کنون شاهد قرار دادها، عهدنامه ها و موافقتنامه های امنیتی ظالمانه و خائنانه بین امپریالیست های تجاوزگر و دولت های دست نشانده و میهن فروش بوده وهست. از جملۀ این موافقتنامه های خائنانه یکی هم موافقنامۀ امنیتی بین رژیم پوشالی دست نشانده و امپریالیزم امریکا است که توسط سفیر امریکا و جنایتکار سرشناس سابقاً پرچمی ( حنیف اتمر) به امضا رسیده است.**

**این موافقتنامه 28 صفحه می باشد. اگـر بـخـواهـیـم تـمـام این موافقتنامه را مورد ارزیابی قرار دهیم**

**حداقل نیازمند صد صفحه خواهیم بود. در این جا مختصراً چند مادۀ آن را به ارزیابی میگیریم:**

**در این موافقتنامه، خواست های امپریالیست های امریکایی اینگونه قید گردیده است:**

**« ماده هفتم. 2 ـ براساس این قرارداد، نیروهای ایالات متحده، بدینوسیله از سوی افغانستان اجازه می یابند تا در داخل تأسیسات و ساحات توافق شده از تمامی حقوق و صلاحیت های مربوط به استفاده، فعال سازی، دفاع و یا کنترول این تاسیسات، بشمول حق تعمیر و ایجاد ساختمان‌های جدید برخودار باشند. نیروهای ایالات متحده میتوانند فعالیت های مربوط امور تعمیراتی را به وسیله افراد نظامی یا بخش ملکی‌شان و یا از طریق قراردادی انجام دهند. 3 ـ بد ین وسیله، نیروهای ایالات متحده از سوی افغانستان اجازه می یابند تا به دلایل امنیتی و تامین مصئونیت شان، دخول به تأسیسات و ساحاتی را که برای استفادۀ اختصاصی این نیروها فرآهم شده است، کنترول نمایند. 4 ـ به منظور تحقق اهداف و ابعاد این قرارداد و به ویژه تحقق مساعی ایالات متحده به منظور آموزش، مشورت، تجهیز و تقویت پایدار نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغان، افغانستان تمامی تأسیسات و ساحات توافق شده را بدون دریافت محصول به دسترس نیروهای ایالات متحده قرار میدهد. مادۀ هشتم. 3 ـ نیروهای ایالات متحده و قراردادی های آنها حق مالکیت بر تمامی تجهیزات، مواد، اکمالات، ساختمان‌های منقول و سایر دارائی‌های منقولی را دارند که این نیروها و قراردادی‌های آنها به خاطر حضور در قلمرو افغانستان نصب، وارد و یا آن را تأمین کرده اند. طرفین در مورد تحویل ممکنه و یا خریداری تجهیزات اضافی توسط افغانستان طوری که قوانین و مقررات ایالات متحده اجازه می دهد، با هم مشورت می کنند.**

**ماده نهم: جابجایی و ذخیره وسایل و تجهیزات. 3 ـ افغانستان به نیروهای ایالات متحده اجازه میدهد تا وسایل، تجهیزات و اکمالات خویش را در داخل تأسیسات و ساحات توافق شده و دیگر محلات مورد توافق طرفین، جابجا کنند. نیروهای ایالات متحده حق مالکیت و کنترول بر استفاده و تعبیه وسایل، اکمالات و تجهیزاتی ذخیره شده در قلمرو افغانستان را داشته و نیز حق دارند این وسایل را از قلمرو افغانستان خارج کنند.**

**ماده دهم. 2 ـ با حفظ کامل حق حاکمیت خویش، افغانستان طرزالعمل هایی را برای تنظیم مسایل مربوط به اجازهء دخول، خروج، عبور از فضا، سوخت گیری هوایی، نشست و برخاست طیاره‌های حکومت ایالات متحده و طیاره های غیرنظامی که توسط این نیروها و یا برای استفاده اختصاصی آنها فعالیت می‌نمایند، طبق اهداف و احکام این قرارداد، طرح و ترتیب میکند. طیاره های حکومت ایالات متحده و طیاره های غیرنظامی که توسط نیروهای ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی آنها فعالیت میکنند، تابع پرداخت حق العبور یا اجرت و سایر محصولات به خاطر نشست و یا توقف در میدان های هوائی حکومتی افغانستان نمی باشند. طیاره های حکومت ایالات متحده با رعایت کامل مقررات مربوط به مصئونیت و گشت و گذار در افغانستان بشمول رعایت مقررات اطلاع قبلی، فعالیت میکنند. 3 ـ با حفظ کامل حق حاکمیت خویش و در مطابقت با اهداف و ابعاد این قرارداد، افغانستان به کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده و سایر کشتی ها و وسایطی که توسط نیرو های ایالات متحده و یا برای استفاده اختصاصی این نیروها فعالیت میکنند، اجازه ورود، خروج و فعالیت در داخل خاک افغانستان را میدهد. تمامی این کشتی ها و وسایط با رعایت کامل مقررات مصئونیت و گشت و گذار در افغانستان فعا لیت می کنند. 4 ـ سوار شدن بر طیاره ها، کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده بدون موافقت مقامات این نیرو ها ممنوع می باشد. طیاره ها، کشتی ها و وسایط حکومت ایالات متحده در داخل افغانستان از هرگونه تفتیش، انتظام و یا ثبت و راجستر معاف می باشند.**

**ماده یازدهم طرزالعمل عقد قراردادها 1 ـ نیروهای ایالات متحده میتوانند مطابق قوانین نافذه آمریکا به هدف دریافت مواد و خدمات به شمول کارهای ساختمانی در قلمرو افغانستان به عقد قرارداد بپردازند. افغانستان می پذیرد که نیروهای ایالات متحده در امور مربوط به چگونگی درخواست، اعطا و مدیریت این قرارداد ها، مکلف به رعایت قوانین و مقررات کشور خود شان می باشند. نیروهای ایالات متحده سعی میکنند تا حد امکان از شرکت های افغان برای ارائه اموال، محصولات و خدمات مورد نیاز، مطابق قوانین و مقررات ایالات متحده استفاده کنند.**

**ماده دوازدهم تامینات و مخابرات. 1 ـ نیروهای ایالات متحده میتوانند نیازمندی های شامل، و نه محدود به، آب، برق و سایر ضروریات خویش را در ساحات و تاسیسات توافق شده و دیگر محلات توافق طرفین تولید وفراهم نمایند.**

**2 ـ افغانستان می پذیرد که نیروهای ایالات متحده نیاز به استفاده از فریکانس های رادیوئی در افغانستان دارد. جانب افغان فریکانس های متعلق به خود را طبق مقررات افغانستان در دسترس این نیروها قرار میدهد. ایالات متحده اجازه دارد تا از سیستم های مخابراتی امریکائی طبق تعریف مخابرات در "اساسنامه اتحادیه بین المللی مخابرات"، منعقد سال ۱۹۹۲ استفاده نماید. این اجازه همچنان شامل استفاده از وسایل و خدمات مورد نیاز فعالیت درست سیستم های مخابراتی و فریکانس های رادیویی میشود که از جانب مقامات ذیربط افغانستان به این هدف فراهم می گردد. استفاده از این فریکانس های رادیویی برای ایالات متحده رایگان می باشد.**

**ماده سیزدهم جایگاه حقوقی پرسنل. 1 ـ افغانستان، با حفظ حق حاکمیت خویش میپذیرد که کنترول انضباطی به شمول اتخاذ تدابیر جزایی و غیر جزایی از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده بر اعضای نظامی و بخش ملکی آن اهمیت به سزا دارد. بنابراین افغانستان توافق می کند که ایالات متحده تعمیل صلاحیت قضایی در رسیدگی به تخطی های جنایی و مدنی چنین افراد در قلمرو افغانستان را حق اختصاصی خود می‌داند. افغانستان به ایالات متحده اجازه میدهد تا محاکمات قضایی و سایر اقدامات دسپلینی مربوط به این قضایا را، عندالضرورت در قلمرو افغانستان انجام می دهد.**

**ماده پانزدهم ورود و خروج: 1 ـ اعضای نیروهای نظامی و بخش ملکی آن میتوانند به شکل انفرادی یا گروهی به ساحات و تاسیسات توافق شده ای مندرج ضمیمه (الف) از طریق محل های رسمی مخصوص ورود و خروج مندرج ضمیمه (ب) یا سایر محلات مورد توافق طرفین، با کارت های هویتی که از جانب ایالات متحده صادر گردیده، داخل و یا خارج شوند. برای چنین ورود و خروجی، به پاسپورت و ویزا نیاز نیست. این افراد از قوانین و مقررات افغانستان راجع به ثبت و کنترول اتباع خارجی معاف می باشند.**

**ماده شانزدهم: واردات و صادرات: 1ـ نیرو های ایالات متحده و قراردادی های آنان می توانند هرنوع تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنالوجی، آموزش و سایر خدمات را به افغانستان وارد، صادر، صدور مجدد، انتقال و یا مورد استفاده قرار دهند. حکم مندرج این فقره شامل حال آنعده از فعالیت‎های قراردادی ها که ارتباطی با حضور نیروهای ایالات متحده در افغانستان ندارند، نمی شود. استفاده از این تجهیزات، اکمالات، اجناس، تکنالوجی، آموزش و سایر خدمات از سوی نیروهای ایالات متحده و یا برای آنها، مستلزم ارائه اسنادی است که نشان دهند این تجهیزات و خدمات برای اهداف یاد شده بوده و برای اهداف خصوصی تجاری مورد استفاده قرار نمی گیرند.**

**ـ تورید، صدور، صدور مجدد، انتقال و استفاده از اشیایی که به تاسی از فقره های ۱ و ۲ این ماده به افغانستان آورده می شوند تابع تعزیرات مانند اخذ جواز، بازرسی، پرداخت مالیات و سایر عوارض گمرکی و محصولی نمی گردد که از جانب حکومت افغانستان در قلمرو این کشور وضع شده است.**

**ماده هفدهم: وضع مالیات. 1 ـ دریافت اموال و خدمات از سوی نیروهای ایالات متحده و یا به نمایندگی از این نیروها تابع مالیات یا محصولات مشابه و یا مرتبط دیگری که در قلمرو افغانستان قابل تطبیق است، نمی‌گردد. 2 ـ نیروهای ایالات متحده به شمول اعضای نظامی و بخش ملکی آن، مکلف به پرداخت هیچگونه مالیه و یا محصولات مشابه یا مرتبط دیگری که از جانب دولت افغانستان در قلمرو این کشور قابل تطبیق است، نمی باشند. 3 ـ قراردادی های ایالات متحده مکلف به پرداخت مالیه یا سایر محصولات مشابه و یا مرتبط دیگر از فعالیت ها و عواید ناشی از کار با نیروهای ایالات متحده یا به نمایندگی از این نیروها که طبق قرارداد اصلی و فرعی یا به حمایت این نیروها در قلمرو افغانستان انجام می شود، نیستند. 5 ـ کارمندان قراردادی ایالات متحده که در افغانستان به گونه عادی اقامت ندارند و نیز کارمندانی که تابعیت افغانستان را ندارند، تابع پرداخت هیچ گونه مالیه یا محصول مشابه دیگر از فعالیت ها و عواید ناشی از قرارداد اصلی و فرعی با نیروهای ایالات متحده، نمی‌باشند.**

**ماده هجدهم رانندگی و جوازهای مسلکی. 1 ـ جواز رانندگی و سایر جواز هایی که از سوی ادارات ذیصلاح ایالات متحده به اعضای نیروهای نظامی و بخش ملکی آن، قراردادی های ایالات متحده و کارمندان قراردادی آنها به منظور استفاده از وسایط، کشتی و طیاره در قلمرو افغانستان صادر شده است، بدون اخذ امتحان یا حق الاجرت در افغانستان قابل اعتبار است.**

**2 ـ افغانستان تمامی جوازهای مسلکی را که ادارات ذیصلاح ایالات متحده به اعضای نیروهای نظامی یا بخش ملکی آن، قراردادی های ایالات متحده یا کارمندان قراردادی آنها به هدف انجام وظایف رسمی یا قراردادی صادر کرده اند، قابل اعتبار میداند.**

**ماده نوزدهم وسایط نقلیه: افغانستان اسناد و جوازسیری را که از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده به وسایط رسمی این نیروها صادر شده است، قابل اعتبار میداند. بر حسب درخواست مسئولین نیرو های ایالات متحده، مقامات ذیصلاح افغان بدون دریافت هیچگونه محصولی، برای وسایط رسمی و غیر تکتیکی این نیروها، نمبر پلیت صادر میکنند. وسایط نقلیه رسمی و غیر تکتیکی نیروهای ایالات متحده مزین با نمبر پلیت های رسمی می باشد که از جانب افغانستان صادر شده و با سایر نمبر پلیت‌های افغانستان تفاوتی ندارد.**

**ماده بیستم فعالیت های حمایت نیرو: 6 ـ بسته های پستی که از طریق سیستم خدمات پستی اردوی ایالات متحده انتقال داده می شوند، از بازرسی، جستجو وضبط توسط مقامات افغان، معاف می باشند. در آخر قرار داد چنین قید گردیده:**

**« بر اساس این قرارداد، آمریکا حداقل پنج پایگاه نظامی دائم در ولایت‌های شیندند، شورابک، قندهار، بگرام و خوست افغانستان ایجاد خواهد کرد و مجاز خواهد بود پایگاه‌های دائمی و موقت یا عملیاتی دیگری را در هر نقطه از افغانستان که صلاح بداند، ایجاد کند و بدین منظور در استفاده از هرگونه امکانات در افغانستان، آزاد خواهد بود.»**

**وقتی به متن توا فقنامه امنیتی رژیم پوشالی با بادران یانکی آن نظر می اندازیم یاد وخاطره عهد نامه های انکلیس که با زور سـر نـیـزه با جـیـره خوارانش همچو شاه شجاع، یعقوب خان و عبد الرحمن بسته بود در ذهن انسان تداعی می گردد.**

**اگر از یک طرف امپریالیزم امریکا از لحاظ استراتیژیک به ایجاد پایگاه های دایمی و حضور دراز مدت در افغانستان نیازمند است، اما از طرف دیگر این وضع ناشی از وجود منابع سرشار طبیعی در افغانستان به عنوان حوزۀ نفوذ امریکا و صدور سرمایه و مهمتر از همه موقعیت استراتیژیک افغانستان به عنوان معبری به سوی ذخایر عظیم مواد خام طبیعی و بازار آسیای میانه می باشد.**

**نیروهای ارتجاعی و میهن فروش، تسلیم شده ها، تسلیم طلبان و قلم بدستان جیره خوار مدعی اند که حضور دایمی نیروهای نظامی امریکا به سود مردم افغانستان است. این ها مدعی اند که از این طریق می توان دموکراسی، عدالت اجتماعی، امنیت وصلح را تامین نمود؟! و یا حد اقل از درد و رنج و مصائب مردم افغانستان کاست! در حالیکه مسبب اصلی تمام درد و رنج، ناامنی ومصائب برای مردم افغانستان حضور نظامی اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان است. میهن فروشان تداوم حاکمیت وبقای خویش را در حضور نظامی باداران خویش می بینند و به این طریق مردم را از عقوبت کاری می ترسانند که خود مسبب آن هستند.**

**رژیم پوشالی بدون جتر حمایتی باداران خود، حتی قادر نیستند که برای مدت کوتاهی اتحاد شان را حفظ کنند، چه رسد به حفط و بقای خویش. بناءً رژیم پوشالی همانند دیگر امرای میهن فروش و خود فروخته بخاطر حفظ موقعیت خویش نیاز مند چنین توافقنامه امنیتی با اشغالگران امریکای و ناتو می باشند.**

**توافقنامه امنیتی با اشغالگران امریکایی و ناتو ستم امپریالیستی را دوبرابر خواهد نمود و درد و مصیبت جنگ تحمیلی را نیز چندین برابر خواهد کرد. ما باید درس های جنگ مقاومت علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و استعمارگران انگلیسی را بصورت درست و اصولی آن فرا گرفته و بکار بندیم و برای برپایی و پیشبرد یک مقاومت ملی مردی و انقلابی آمادگی بگیریم، در غیر اینصورت چه حالت اشغال دوام یابد و چه سلطۀ امپریالیستی در کشور به حالت نیمه مستعمره درآید مشکلات، درد و مصیبت مردمان کشور در اساس به حال خود باقی می ماند.**

**سرفراز باشید!**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**پیوند استوار چو انگشتهای دست**

**در وحدت فشرده بالا و پست ماست**

**هرگز مجاز نیست پراگنده زیستن**

**جمعیت ستم نفسان در گسست ما ست**

**در سایۀ سلام بسی حیله خفته است**

**این درس تلخ تجربۀ بود و هست ما ست**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**مهمانان عزیز و دوستان گرانقدر سلام!**

**در قدم اول یاد جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین کشور در 7 قوس سال 1358 را گرامی می داریم. در قدم دوم گرچه من باید شعر نوشته شدۀ خود را می خواندم، اما از قرار معلوم فرصت دارم تا قبل از سرایش شعرم صحبت مختصری داشته باشم.**

**دوستان عزیز! تاریخ افغانستان شاهد تلخی ها، سختی ها و ستم های زیادی بوده است و این همه را مردم بیچارۀ این سرزمین متقبل شده اند. تاریخ افغانستان از قرنها پیش شاهد قتل، غارت و ستمگیری از سوی جابرین زمان بوده است. توده های زحمتکش همیشه غم دیده اند، همیشه ستم کشیده اند و همیشه سرکوب و نابود شده اند. سر زمین افغانستان هیچگاهی شاهد یک قرن یا نیم قرن آرامی نبوده است. این ناآرامیها، کشتار و تجاوزات باعث بدبختی مردم زحمتکش و ویرانی کشور شده است. قرنهاست که بر این سرزمین متوالیاً تجاوز صورت گرفته است. قرنها ست که این وطن بصورت مسلسل توسط مزدوران خود فروخته لیلام شده است.**

**مردم این سرزمین در جند قرن اخیر شاهد حوداث ناگواری بوده اند. امپراتوری انگلس بر این سرزمین تجاوز کرد. سوسیال امپریالیزم شوروی بر این سرزمین به گفته خودشان به کمک رفقای خلقی و پرچمی شان تاختند. اما در حقیقت این یک تجاوز آشکار بود و نوکران بومی شان هرچه توانستند در حق مردم بیچاره کشور روا داشتند. کشور را ویران کردند، 5 میلیون نفوس این سرزمین به کشور های همسایه و اطراف و اکناف کره زمین مهاجر شدند، یک میلیون و پنجصد هزار کشته، زخمی و معلول دادند. بهترین افراد کشور به اعدامهای دسته جمعی محکوم شدند. جوانان رشید کشور در زیر خاک در گورهای دسته جمعی پوسیده شدند. جانباختگانی که ما امروز از آنها یاد می نماییم نیز توسط باند خلق و پرچم به اعدام محکوم شدند. بهترین افراد کشور ناپدید شدند، قریه ها ویران شد و زمین های وسیع این سرزمین کشتزار مینهای ضد انسانی گردید.**

**اما با فروپاشی سوسیال امپرالیزم شوروی و فروپاشی رژیم مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی، مردم باور کردند که نصیب خلقهای این سرزمین خوش بختی و نصیب کشور امنیت و آرامی خواهد بود. ولی این خوابی بیش نبود. باندهای ارتجاعی با تصرف پایتخت کشور بجان هم افتادند و کابل را ویران کردند. شهر کابل و مردم این شهر تا هنوز بعد از تقریبا بیست سال شاهد ویرانی های آن زمان هستند. باندهای ارتجاعی باهم جور نیامدند و کشور در سردرگمی سیاسی قرار گرفت. امپریالیزم امریکا در پی مقاصد خویش طالبان را تقویه کرد و این امر باعث شد تا طالبان قسمت های وسیعی از کشور را تصرف نمایند که پایتخت کشور نیز شامل مناطق تحت کنترول امارت اسلامی بود. مردم افغانستان شاهد دورۀ سیاه هفت ساله امارت اسلامی بودند.**

**وقتی حادثۀ 11 سپتامبر2001 صورت گرفت، برای امپریالیزم امریکا و شرکایش بهانۀ خوبی پیدا شد و خواستار تسلیم نمودن اسامه از طرف طالبان به ایالات متحده امریکا شدند، اما طالبان این خواست را نپذیرفتند. امریکا و شرکایش یک ماه به صورت متواتر سنگرهای امارت اسلامی را بمباران نمودند و بعد ازینکه افراد امارت اسـلامی جان به لب شـدند، حـمـلات زمینی را از طریق به خدمت گرفتن نیروهای جهادی نیز آغاز کردند.**

**دیری نپایید که امارت اسلامی سقوط کرد و کرزی ریاست رژیم دست نشاندۀ امپریالیست های امریکایی و شرکای شان را طبق یک توافق نامۀ ننگین که در بن صورت گرفت، بد ست گرفت.**

**مردم بازهم با یک توهم محض امیدوار شدند که گویا امریکا افغانستان را نیویارک دوم می سازد و با این توهم شب و روز شان را سپری نمودند. از آن زمان تا حال 13 سال سپری می شود. اما مردم این سرزمین در چه وضعیت قرار دارند؟. طبیعی است که وضعیت بدتر شده است. مردم گرسنه تر شده اند. اقتصاد کشور به صفر رسیده است. وضعیت امنیتی خراب تر شده است. رژیم مزدور غنی و شرکاء عملاً با امضا نمودن قرار داد امنیتی با امپریالیزم امریکا، استقلالیت کشور را زیر پا نمودند و کشور و مردمان این کشور را در اسارت آشکار و ننگین قرار دادند. مردمان کشور نباید فریب این دو نوکر ( غنی و عبدالله ) را بخورند و نباید به حرفهای پوچ و میان تهی این نوکران بازی بخورند، زیرا اینها نوکر هستند و از خود هیچ اختیار و صلاحیتی ندارند.**

**بنابرین مردم کشور باید راه درست و مردمی را دریابند تا مردمان کشور از قید اسارت و بدختی رها شوند. یقینا راه اکرم یاری نجاتبخش مردمان کشور از هرگونه بدختی می باشد. راه اکرم یاری و یارانش ادامه دارد و کسانی هستند که ادامه دهندۀ این راه می باشند .**

**در اخیر یک بار دیگر یاد این جانباختگان را گرامی می دارم و امید وار هستم آرمانهای این شهدا روزی تحقق یابد.**

**حال شعرنوشته شده خویش را می خوانم:**

**دی شام و شام دیگر که گذشت**

**رنگ بهار نداشت**

**حامل شده بود شب پرست**

**با گامهای خویش**

**خروارها چراخهای خاموش را**

**دیگر گذشت آن شب و آن شام و ظلمت بی پایان**

**اینک چراغ هایی هست**

**چند فتیله برای سوختن**

**چند شعله برای روشنی**

**چند دست استوار**

**چند بازوی بی قرار**

**که دل بسته اند به طغیان خروشان صبحگاهان فردا**

**ی هوای من سفر مکن**

**با ابرهای تیرهً شب**

**مرز میان تو و آن کوچه**

**همین شب است**

**فردا آفتاب است**

**و ازدحام امید از هر دریچه**

**که برفرش کوچه ما نور می فشاند**

**دیگر**

**حنجرۀ من**

**قلاب شود بر زبان ستمکشان**

**سر دهد نوای شرربار عشق را**

**آزادی را**

**اینجا**

**آنجا**

**و داستان خون را**

**دیگر بهارِ من**

**قول و قرارِ من**

**دریای عشق می جوید**

**توفان فانوس و آهنگ سرگذشتِ خویش را**

**دیگر ستارگان مهجور**

**در شب توحش**

**افسانه نخوانند**

**چشمک زنند از هر کنار آسمان با صفای خویش**

**دیگر آن قطره اشکِ چشمِ کودکِ قهرمانِ فردا**

**در کاسه جلاد آتش افگند**

**دیگر چراغی باشیم**

**آویخته بر گردنِ توفانِ منزلِ خویش.**

**تشکر از توجه تان.**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**در آخر محفل دومین قطعنامه از سلسلۀ محافل ویژۀ یاد بود از جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین توسط یکی از جوانان شرکت کننده در محفل (استاد یاری) بخوانش گرفته می شود .**